اصلی ست واین یک روایت از حضرت امام اعظم رحمة الله علیه و در روایت دیگر از
امام صاحب وآن مذهب صاحبین و جمهور علماست که انتهای وقت ظهر تا یک مثل
سایه هر چیز سوای سایه اصلی ست سوم وقت عصر وآن از ختم ظهر بر هر دو قول است
تا غروب آفتاب چهارم وقت مغرب وآن از غروب آفتاب تا شفق
سرخ پنجم وقت عشا وآن از غروب شفق سرخ بر قول مفتی به تا نیم شب
ونزد امام اعظم تا صبح با کراهت تحریمی دوم از فریضه بیرونی پاکی جای نماز
سوم پاک بودن پارچه نمازگذار چهارم پاک بودن بدن مصلی از نجاست پنجم
پوشیدن ستر عورت وآن برای مرد از ناف تا زیر زانو ست و برای زن — زن
حره همه بدن سوای رو و کفهای دست و هر دو قدم و برای کنیز از پشت
و شکم تا زیر زانو ششم قبله رو بودن هفتم نیت نماز

بیان فرضهای اندرونی

یکی از آن تکبیر تحریمه است دوم قیام سوم قرات چهارم رکوع پنجم
دو سجده ششم آخری قعده هفتم خروج از نماز بفعل مصلی نزد امام اعظم رح

و واجبات و سنن و مستحبات نماز بر تو در ترتیب نماز هویدا خواهد شد انشاء الله تعالی۔

سبق چهارم در نجاست و طهارت

چون پاک داشتن جامه و بدن برای نماز فرض است پس باید که پاکی و پلیدی را
شناسد پس بدانکه نجاست دو قسم است نجاست غلیظه و نجاست خفیفه
غلیظه خون و ریم و قی و بول و منی و ودی و مذی و چرکین آدمی است و پس
افگنده جانوران حرام گوشت و پیخال بط و ماکیان و خونیکه وقت ذبح ریزد
و لعاب و تری خوک و سگ و فیل نجاست است خفیفه پیخال و بول جانوران
است که خوردن لحم شان جائز است پس از نجاست خفیفه اگر چهارم
عضوی از عضوهای بدن یا بیرون از پیره‌های پارچه آلوده شود پلید است نماز با آن
جائز نیست و اگر از این مقدار کم است نماز جائز است و از نجاست غلیظه بقدر درم
در غیر آب عفو است نجاسات از شستن پاک شود پس اگر نجاست مرئی باشد شستن
آن مقداری که عین او زائل شود کافی است و اگر غیر مرئی باشد پارچه را سه بار
شستن و سه بار فشردن پاک کند آب هر دو قسم است جاری و غیر جاری

جاری هر دو گونه ست اندک و بسیار آب اندک از آلودن نجاست مطلقًا
ناپاک شود آب بسیار و آن آبیکه ده ذراع در عرض و ده ذراع در طول باشد
از آلودن نجاست بمقدار یکه صفتی از صفات سه گانه او را که رنگ و مزه و بوست
متغیر گرداند ناپاک شود والا آب جاری بآلودن ناپاکی ناپاک نشود و دربنجا
تفاصیل بسیارست محلش مبسوطات فقیهه اند۔

سبق پنجم دربیان وضو

اولاً ذکر وضو کرده میشود که بے وضو نماز و سجده و مس قرآن مجید جائز
نیست پس باید که نیت یعنی اراده وضو کرده بخواند

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۝ قُلْ رَّبِّ اَعُوْذُ بِكَ
شروع ساتهه الله کے نام کے جو نہایت مہربان رحم والا۔ کہہ ای رب میرے پناه مانگتا ہون مین تیری
مِنْ هَمَزٰتِ الشَّيٰطِيْنِ وَاَعُوْذُ بِكَ رَبِّ اَنْ يَّحْضُرُوْنِ
ساتهه وسواسون شیطانون سے اور پناه مانگتا ہون مین ساتهه تیری ای رب میرے اس سے که حاضر ہوویں

بعده از آب پاک هر دو دست تا بند دست بشوید سه بار مضمضه و غرغره کند

سه بار و مسواک کند و در بینی آب از دست راست انداخته از سر انگشت خنصر
چپ اندرون بینی صاف کند و بلغم اندازد سه بار روی بشوید از کناره موی سر
تا زیر ذقن و تا هر دو گوش و دستها مع آرنج سه بار بشوید و لک هم کند و آب در
کف دست گرفته جانب آرنج هم فرو ریزد اولاً از دست راست بعده از دست
چپ یک مرتبه مسح تمام سر کند یعنی هر دو کف دست را از آب تر کرده سر خنصر
و بنصر و وسطی هر دو دست را متصل کرده از جبین بر کاسه سر تا بن گردن
کشد که سر انگشتان بر فرق سر گذرند پس سبابها در درون هر دو گوش گذارد
و از سر انگشتان پشت گوشها مالد و گردن را به پشت انگشتان مسح کند از سمت
جانب راست و از چپ سمت چپ و هر دو پا مع شتالنگ بشوید چنانچه بار آب بریزد
و از خنصر چپ خلال انگشتان پا کند که شروعش از انگشت خرد پای راست باشد خنصر را از
زیر قدم بالا آورد بعده همین طور قدم چپ را شسته خلال کند و این هفت عمل
پی در پی نماید تا آب یک عضو خشک نشود قبله رو نشسته وضو کردن
مستحب است آب وضو از کسی طلبیدن ممنوع نیست بعد وضو نگاه بسوی آسمان کند نخواند

---

۵۲ سنت موکده است و نیز فرموده که ده فائده دارد ۱۲

۵۳ مستحب است ۱۲

۵۴ فرض است یکبار و سه بار سنت ۱۲

۵۵ یعنی اگر گنجان باشند شستن آن بعد ملاقی بشره فرض است همین است مستحب و اگر گنجان نباشند شستن زن ضرور ۱۲

۵۶ یعنی سه است و سنت همه سر ۱۲

۵۷ فرض است

۵۸ سنت است ۱۲

۵۹ مستحب است

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ

گواہی دیتا ہوں میں یہہ کہ نہیں کوئی معبود لائق عبادت کے مگر اللہ کہ اکیلا ہے کوئی بھی اوسکا شریک نہیں اور گواہی دیتا ہوں میں یہہ کہ

مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ

محمد بندہ اور رسول اوسکے ہیں ای اللہ کردے مجکو توبہ کرنے والوں سے اور کردے مجکو

الْمُتَطَهِّرِينَ سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ وَأَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ

پاکیزہ لوگوں ظاہر ہو یا باطن پاک ہے تو ای اللہ برائی اور شرک سے اور ساتھ تعریف تیری کے اور بخشش مانگتا ہوں تجھسے اور تیری طرف

سبق ششدہم

چون تیمم قایم مقام وضو و ہم غسل است و وقتہا باشد کہ بوضو ضرورت می افتد
مختصرش بہ بیان آید اگر آب نباشد تیمم برای وضو یا برای غسل کند یا آب در
چاہ موجود است اما برآوردنش ممکن نیست تیمم کند یا خوف جان و تشنگی باشد تیمم کند
و در صحرا برای آب چندان تجسس کند کہ وقت نماز نرود اگر احتمال فوت باشد تیمم کند
اگر در مرض خوف زیادتی مرض است یا زیادتی تکلیف تیمم جایز است و طریق آن
این است اگر برای غسل میکند نیت غسل باید کرد و اگر برای وضو میکند نیت وضو

باید کرد و در هر دو صورت اگر نیت طهارت از حدث لاحق باشد نماز کند هم کافی ست

بعده بر سنگ یا بر خاک پاک یا بر هر چیز که از جنس خاک باشد هر دو دست یکبار زده بر

روی خود مالد چنانکه از آب در وضو میشوید که جای خالی نماند بار دگر دستها

زده[۵۱] خنصر و بنصر و وسطے راست را با کف دست بر پشت دست چپ از ناخن تا آرنج

بمالد که جای خالی نماند و سبابه و نر انگشت را علیحده دارد اکنون دست چپ را بگرداند و از زیر

انگشت راست و سبابه حلقه زده جانب دیگر باز بر آرد تا سر انگشتان چپ بهمان

طوریکه جائی خالی نماند چنانکه در وضو ست باز از دست چپ دست راست را

بدین صورت بمالد و مسح انگشتان هر دو دست کند یعنی انگشتان یکدیگر را اندرون

اندازد و بس این دو ضرب ست در تیمم و برائی وضو و غسل صورت یکیست

الا نیت[۵۲] و از یک تیمم مثل وضو چند نماز جائز اند تا شکسته نشود و شکنندهٔ وضو و تیمم یکی ست

یعنی آنچه وضو را شکند تیمم را نیز شکند و نیز تیمم را قدرت بر آب هم می شکند

سبق هفتم شکننده هائی وضو

برآمدن بول و ریح هر قدر که بر آید وضو را می شکند و باختلاف یکی شکنندهٔ وضو آن ست

ف ۵۱ لیکن این همه ترکیب از طرف ما تیمم نیست فرض همین قدر ست که از سر انگشتان هر دو دست تا آرنج جای خالی نماند بهر طوریکه باشد ۱۲ ۱۲

ف ۵۲ نیت وضو بالا گذشت ۱۲ ۱۲

که وقت وضو هر قدر یکه از عضوهای وضو جائی خالی ماند و خون و ریم که بر جلد بدن
بر آمده از جای خود حرکت کرده باشد و قی پُر دهن و خفتن و غنودن تکیه زده اما خفتن در
قیام نماز و در رکوع و سجده وضو را نمی شکند و هر چیز که موجب غسل ست شکننده
وضو ست و مذی و ودی و منی که بر آید و جنون و بیهوشی همه ناقض وضو اند اما
گذشتن مدت مسح بر موزه وضو را نمی شکند بلکه شستن پاها را واجب میکند

سبق هشتم در اذان واقامت

یکی از سنن موکده اذان ست که در صحرا و بیرون شهر و در مسجد بالخصوص برای
فرض و در خانه شهر اگر بگفته شود باکی نیست اذان چیست بانگی ست بالفاظ مخصوص
که مومنان برای جماعت نماز آگاه شوند چون وقت نماز می آمد حضرت بلال رضی الله عنه
اذان میگفت که پسندیدهٔ باری تعالی بود مومنان بر وقت نماز مطلع شده در مسجد شریف
حاضر می آمدند و بآن حضرت صلعم نماز میگذاردند که در اصل نماز با جماعت سنت پس اذان آن ست

اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ

اللہ سب سے بڑا ہے | اللہ بہت بڑا ہے | اللہ سب سے بڑا ہے | اللہ بہت بڑا ہے۔

چہار بار پس اَشْهَدُ اَنْ لَّا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ دو بار پس اَشْهَدُ

گواہی دیتا ہوں میں یہ کہ نہیں کوئی معبود مگر اللہ — گواہی دیتا ہوں

اَنَّ مُحَمَّدًا رَّسُوْلُ اللّٰهِ دو بار پس حَیَّ عَلَی الصَّلٰوۃِ دو دفعہ پس

کہ تحقیق محمد صلعم رسول اللہ کے ہیں — آؤ نماز پڑہنی کو

حَیَّ عَلَی الْفَلَاحِ دو بار اَلصَّلٰوۃُ خَیْرٌ مِّنَ النَّوْمِ اما این در

آؤ بہلائی پر — نماز بہتر ہے نیند سے

وقت صبح گفتہ شود نہ در وقت دیگر اَللّٰهُ اَکْبَرُ دو دفعہ پستر

اللہ سب سے بڑا ہے

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ یکبار تمام شد موذن وقت اذان سبابہای خود در

نہیں کوئی معبود مگر اللہ

سوراخ ہای ہر دو گوش دارد و شنوندہ را باید کہ ہرچہ موذن گوید

این ہم گویان باشد اما بر حی علی الصلوۃ حی علی الفلاح

آؤ نماز پڑہنی کو — آؤ بہلائی پر

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّۃَ اِلَّا بِاللّٰهِ

نہیں پہرنا گناہ سے اور قوت عبادت پر مگر ساتھ مدد اللہ کے

گوید آن حضرت صلی اللہ علیہ وسلم فرمودہ کہ گردنہای موذنان از ہمہ

بلند خواہد بود پس شونده ازین بہره محروم نماند بعد ختم اذان این دعا بخواند

اَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ وَالصَّلٰوةِ الْقَائِمَةِ اٰتِ مُحَمَّدَنِ الْوَسِيْلَةَ

ای اللہ ای رب اس پوری پکار کے اور ای رب اس نماز قایم کے دی سردار ہمارے محمد صلعم کو وسیلہ

وَالْفَضِيْلَةَ وَالدَّرَجَةَ الرَّفِيْعَةَ وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَّحْمُوْدَنِ الَّذِيْ

اور بزرگی سب پر اور درجہ بلند اور بہیج اونکو مقام محمود مین کہ جسکا تو نے

وَعَدْتَّهٗ وَارْزُقْنَا شَفَاعَتَهٗ يَوْمَ الْقِيَامَةِ اِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيْعَادَ

وعدہ فرمایا ہے اور نصیب کر ہمکو شفاعت اونکی قیامت کے دن تحقیق تو نہین بدلتا وعدہ کو

و ہرچہ خواہد دعا کند کہ وقت قبول ست بعد اذان برای اقامت جماعت اینقدر

توقف باید کہ چہار گانہ گذارده شود اما برای نماز مغرب توقف نباید کرد

اکنون امام بجای خود قایم شود و موذن اقامت گوید یعنے تکبیر شروع

کند و الا ہر مقتدی نیکہ بر دست راست امام باشد اولی است و چون تکبیر

گفتہ شود برای نماز مقتدیان صف کشنده و چون قَدْ قَامَتِ الصَّلٰوةُ

گفتہ شود امام نیت نماز کند و اقامت ہمچون اذان ست مگر بعد

حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ قَدْ قَامَتِ الصَّلٰوةُ
قَدْ قَامَتِ الصَّلٰوةُ دو بار گفته شود اَلصَّلٰوةُ خَيْرٌ مِّنَ النَّوْمِ نباید
گفت وچون قَدْ قَامَتِ الصَّلٰوةُ گفته شود شنونده گوید اَقَامَهَا اللّٰهُ
وَاَدَامَهَا و بر الفاظ های دیگر هیچ نگوید وموذن ومکبر لفظ الله را دراز
دراز کند اما اکبر را نکشد ودر برابر کردن صفوف ها اهتمام نماید وآنها را کج
نباید داشت مقدم در صفها مردان اند ایستاده شوند بعده طفلان
پس ازان خنثی وعنین پستترین زنان چون امام تکبیر تحریمه گوید مقتدیان
اقتدا کنند ودر نزدیک امام ویک مقتدی جماعت است اگر یک مقتدی باشد
بر سمت راست امام برابرش ایستد بچیزی پسین از جماعت شخصی امام باشد
که قرآن از همه بهتر خواند ومسائل نیکوتر داند واگر شخصی امام شود که قرآن
ومسائل نیندانند که ازانها نماز جائز باشد هم رواست

سبق نهم دربیان صفت نماز

نماز بر هر مومن عاقل بالغ فرض است هر که انکارش کند کافر است وهم اگر

آن حضرت صلعم کیفیت وموده اند

یعنی دیوانه نباشد

وکار دنیا دخرید فروخت بوقت ونقصان توانا کرد

بالغ یعنی در خواب ضرورت غسل افتد

بقصد و استبعاد تا سه روز ترکش نماید کافر گردد هیچ فرضی نیست که تارکش کافر گردد
الا نماز بفرموده مقبول حضرت رسول صلعم مَنْ تَرَكَ الصَّلٰوةَ مُتَعَمِّدًا
فَقَدْ كَفَرَ و نزد جمهور علما کفر نیست بلکه اعظم کبائر است پس نماز را محکم
گیرد چنانچه باری تعالی فرماید اَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ پس قایم کردنش همین که پنجوقته
برغبت دل و بانکسار تمام باوقات حسنه و به تعدیل ارکان ادا کرده باشد و به
هیچ وجه نگذارد اگر ایستادن نتواند نشسته بخواند اگر این هم نتواند بر قفا
گذارد و در صحت و مرض در سفر و حضر در امن و اضطراب نماز گذاشتنی نیست
و نماز را بران طور ادا نماید که آن حضرت صلعم ادا میفرمودند یعنی بعد اذان اقامت
ایستاده شود بهر دو قدمها و هر دو پا را برابر دارد به تفاوت چهار انگشت و نیت کند
نیت میکنم برای چهار یا دو رکعت فرض وقت صبح یا ظهر وغیره
پس این امام اگر مقتدی باشد برای امامت برای الله تعالی گفته و فهمیده هر
دو دست تا نرمه گوش برداشته تکبیر تحریمه یعنی اَللّٰهُ اَکْبَرُ گویان زیر ناف
بندد چنانکه دست چپ زیر دست راست باشد و از خنصر و بنصر انگشت را

حلقہ زند و زن وقت نیت ہر دو دست تا دوش برداشتہ بر سینہ بندد

این چیست از ہمہ کار ظاہری و باطنی دست برداشتن و دل بکارش آمیختن است

و ہمین گفتن کہ خداوندا تو از ہمہ بزرگ و برتر ہستی و من بندہ حقیر دست پیش تو

آمدہ ام و بر کسی و بر ہیچ جانب نظر نہ اندازد و التفات نکند و برجای سجدہ

نظر دارد و بعجز و فروتنی ایستادہ باشد بدین طور ایستادن چیست

پیش شہنشاہ حاضر شدہ عرض معافی ہست از تقصیر و گناہ خود بدین سبب

در ابتدائے قیام تسبیح گفتہ میشود آنرا ثنا گویند الفاظ آن این ست

سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ وَتَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالٰى جَدُّكَ

تو بری ہی اور ستہرے پاک اے اللہ اور ساتہہ تعریف تیری جو کسیکو نہین لگتی اور بزرگ ہے نام تیرا اور بلند ہے مرتبہ تیرا

وَلَا اِلٰهَ غَيْرُكَ ٥ اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطٰنِ

اور نہین کوئی معبود سوا تیری پناہ مانگتا ہون مین ساتہہ اللہ جلشانہ کے شیطان

الرَّجِيْمِ ٥ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ٥

نکالے ہوئے سے شروع کرتا ہون مین ساتہہ نام اللہ کے جو بڑا مہربان نہایت رحم والا

ف۵ در اینجا تفصیل ہست مسئلہ شافعی را انفراد کردہ ۱۲

ف۶ مستحب ہست و آداب ہست

ف۷ واجب ہست

ف۸ شرح التفات ہست ۱۲

اَلْحَمْدُ لِلّٰہِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ ۝ اَلرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ۝ مَالِکِ

سب تعریف اللہ کو ہی جو صاحب ہے سب جہان کا — بڑا مہربان نہایت رحم والا — مالک انصاف کے

یَوْمِ الدِّیْنِ ۝ اِیَّاکَ نَعْبُدُ وَاِیَّاکَ نَسْتَعِیْنُ ۝ اِھْدِنَا

دن کا — تجہی کو ہم عبادت کرتے ہین — اور تجہی سے مدد چاہتے ہین ہم — دکہا دی ہمکو

الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِیْمَ ۝ صِرَاطَ الَّذِیْنَ اَنْعَمْتَ عَلَیْھِمْ

راہ سیدہی — راہ اون کے — جن پر تو نے احسان کیا اور مت دکہا راہ اونکا

غَیْرِ الْمَغْضُوْبِ عَلَیْھِمْ وَلَا الضَّآلِّیْنَ ۝ آمِیْن ۝

کہ جنکے چلنے والون پر غضب ٹوٹا — اور نہ گمراہون کا راستہ دکہا ایسا ہی ہووی — ای اللہ

آمین مخفی گوید و بروقت خواندنش دل بر معنی گمارد و بعد فاتحہ در دو رکعات

اولی فرض یک آیۂ کلان یا سہ آیۂ خورد آمیزد یعنی اول سورۂ فاتحہ و بعدش

سورۂ دیگر خواند اما در رکعات آخری صرف فاتحہ خواندن کافیست و در نماز

سنت و نفل در ہمہ رکعات آمیزیدن واجب ہست چون از بہترین سورتہای خورد

سورۂ اخلاص ہست لہذا در ینجا نوشتہ می آید سورۂ اخلاص

قُلْ ھُوَ اللّٰہُ اَحَدٌ ۝ اَللّٰہُ الصَّمَدُ ۝

کہہ دو ای محمد صلعم کہ اللہ — ایک ہے — اللہ — بے نیاز ہے

افادہ شکر است ۱۲

ترجمۂ سینہ تعریف ۱۲

نہایت مجرب — دوزخ مقام ہمگان — ہکا سوچیم ہمیشہ — سبیل ۱۲

ترک قرآن ... بہشت ... ۱۲

امین و ثبت ۱۲

لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُوْلَدْ وَلَمْ یَکُنْ لَّهٗ کُفُوًا اَحَدٌ ۵

نہ اوسنے جنا - اور نہ وہ جنا گیا — اور نہیں اوسکے جوڑ کا کوئی

یا چیزے دیگر از سورہ یا آیت آمیزد اما کم از مقدار مذکورہ نباشد پس رکوع کند

یعنے اَللّٰهُ اَکْبَرُ گویان سر فرو اندازد چندانکہ سر و پشت برابر سرین باشد و

کمر چون تختہ باشد و با ہر دو دست زانو را محکم گیرد و نظر بر پائی خود دارد و سہ بار

خفیہ خواند سُبْحَانَ رَبِّیَ الْعَظِیْمِ این از بالا افتادن چیست

پاکی ہے رب میرے کو جو بہت بڑا ہے

بدان کہ چون دعا صورت اجابت گرفت داعی بخواہش زود

قبولیت اظہار عجز کرد و پشت خم ساخت و گفتن آغاز کرد کہ پروردگار

برتری و پاک از ہمہ بدی اگر سُبْحَانَ در نفل زیادہ از سہ بحساب طاق

خواند بہتر است پس سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَهٗ بطور مذکور گفتہ قومہ کند یعنے

سن لی اللہ نے تعریف اپنی جس نے اوسکے واسطے ہے

از رکوع برخاستہ قایم شود و دستہا گذارد و چون امام سمع اللہ گوید مقتدی

و ہمچنین منفرد بعد سمع اللہ خود رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ خواند و اگر

حَمْدًا کَثِیْرًا طَیِّبًا مُّبَارَکًا فِیْهِ بعد ربنا لک الحمد بیفزاید

فرض است ۱۲

سنت است

سنت است

واجب است یکبار واجب ۱۲

سنت است

مسنون است

مستحب است

هم خوب است و اگر امام هم این تحمید را گوید نزد بسیاری از علما مستحب است
چون بلندی درجه هویدا شد داعی حیران شده سر برداشت که خواب است
یا بیداری کجا من بندهٔ هیچکاره و کجا این درجهٔ مقربانه و بعد وقفه چو این تیقن شد
بر زبان خود کلمات شکر و دعا همی راند و چون اینجا درجهٔ قبولیت پیدا یافت
سر شکرانه بر زمین عجز انداخت این است قومه و سجده و چنان رود که
اول هر دو زانو بر زمین رسند و باز هر دو کف دست باز سر در میان هر دو دست
نهد که جبین و بینی هر دو قرار گیرند نظر بر بینی افتد و انگشتان قبله رو باشند و
آرنجها و شکم از فخذین و زمین علیحده باشند و زن این هر یک عضو را
چسپاند و خواند سه بار خفیه سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَىٰ گویا بزبان
(پاکی ہے رب میرے کو سب سے برتر ہے)
حال میگوید که تو پاکی و پرورندهٔ برتری از من کمترین هیچ نیاید جز اینکه خود را
بخاک فگنم اگر تکرار تسبیحات بحساب طاق کند زیاده اولی است و فهمد که
هیچکس برابر او نیست و من و همه پیش او نهایت عاجزانه و همین خشوع است
اکنون الله اکبر گویان سر بردارد و دو زانو نشیند که پنجه پای راست

ایستادہ باشند و انگشتہا پشتِ قبلہ رو بر زمین باشند و پنجہ چپ زیر خود بگسترانند و نظر و ہر دو دست بر فخذین دارد و انگشتان قبلہ رو و زن ہر دو قدم خود جانب راست بیرون گذارد این را جلسہ نامند و بخوانند

اَللّٰھُمَّ اغْفِرْلِیْ وَارْحَمْنِیْ وَاھْدِنِیْ وَارْزُقْنِیْ

ای اللہ بخش دی گناہ میرے اور مہربان ہو مجھپر اور اچھا رستہ بتا مجھکو اور روزی دی مجھکو

وَارْفَعْنِیْ وَاجْبُرْنِیْ

اور مرتبہ دی مجھکو اور نقصان سے بچا مجھکو

این شکرانہ ادا کردہ باز بدرجاء پرداختہ بہر رزق و عزت میخواہد اکنون چون شان قبول پیدا شد نتوانستن نشستن دگر بارہ افتاد و جبین نیاز بر زمین نہاد چنین طور سجدہ دیگر نماید این ہر دو سجدہ فرض اند باید کہ ہر دو را پے در پے کند این یک رکعت شد ہمہ رکعات باین طور ادا کند چون دو رکعت با تمام رساند بنشیند بہمان صورت کہ در جلسہ نشستہ بود و خواند بخفیہ

اَلتَّحِیَّاتُ لِلّٰہِ وَالصَّلَوٰتُ وَالطَّیِّبَاتُ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ

سب قولی تعریفین زبان کی واسطے اللہ کے ہین اور دعا عاجزی کی اور اداب پاکیزہ سلام پہونچے تجکو

اَیُّھَا النَّبِیُّ وَرَحْمَةُ اللّٰہِ وَبَرَکَاتُہٗ اَلسَّلَامُ عَلَیْنَا

ای نبی رحمت اللہ کی اور برکتین اوسکی سلام ہمپر

ف وجہ سنت ۱۲

ف فرض است ۱۲

ف وجہ سنت خواندن وی ہم بخفیہ خواندن ۱۲

ف تا طلب ساجد آنحضرت صلعم است کہ بند[illegible] کند

ف خداوند تعالی فرماید ۱۲

وَعَلٰی عِبَادِ اللّٰهِ الصّٰالِحِیْنَ ۝ اَشْهَدُ اَنْ لَّآ اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ

اور اوپر صالحین بندگان خدا کے — مین گواہی دیتا ہون کہ کوئی لائق عبادت نہین سوا اللہ کے

وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهٗ وَرَسُوْلُهٗ ۝

اور گواہی دیتا ہون کہ محمد صلعم بندی اوسکے ہین اور رسول اوسکے

اکنون قابلیت نشستن حاصل کرد تا بگوید آن کلام کہ بشب معراج باہم یگانہ ومحبوب ہمتا درمیان آمدہ بود پس بدان کہ نماز برای ہریکی ازین است معراج بدرجہ معراج بہت مصلی را باید کہ خود را بحضور آن تعالی داند واین را قعدہ اولے گویند اگر نیت چہار رکعت بود ہر دو رکعت وقعدہ را شفعہ نامند پس اگر نیت برائی چہارگانہ است بر خیزد وتکبیر گویان کہ شروع مدکن ازین جاتا آن کہ راست شود وقتیکہ تعداد رکعات موافق نیت تمام شود بہ نشیند کہ این را قعدہ اخیرہ نامند اینجا بعد تشہد یعنے التحیات ودرود را باو شامل کند ودرود این است این را ہم مخفی خواند

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّعَلٰی

ای اللہ درود بھیج اوپر محمد صلعم کے اور اوپر

اٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلٰی اِبْرَاهِيْمَ

اولاد محمد صلعم کے جیسے کہ رحمت بھیجی تونے اوپر ابراہیم علیہ السلام کے

وَعَلٰٓی اٰلِ اِبْرَاھِیْمَ اِنَّکَ حَمِیْدٌ مَّجِیْدٌ ۝

اور اوپر آل ابراہیم علیہم السلام کے تحقیق تو اصلی تعریف کیا گیا بزرگ ہے

اَللّٰھُمَّ بَارِکْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّعَلٰٓی اٰلِ مُحَمَّدٍ کَمَا بَارَکْتَ

اے اللہ برکت نازل کر اوپر محمد صلعم کے اور اولاد محمد صلعم پر جیسے کہ برکت نازل فرمائی تونے

عَلٰٓی اِبْرَاھِیْمَ وَعَلٰٓی اٰلِ اِبْرَاھِیْمَ اِنَّکَ حَمِیْدٌ مَّجِیْدٌ ۝

اوپر ابراہیم علیہ السلام کے اور اوپر اولاد ابراہیم علیہ السلام کے بیشک تو تعریف والا بزرگ ہے

واین درود را چیست تو گوئی کہ چون فرشتگان این سوال وجواب کہ دلیل

نہایت عزتیست لشب معراج دیدند بہ تعریف آن صلعم مشغول شدہ

بودند الحق اللہ برای ہریک مصلی صد نماز پس وقت آنست کہ ہر التجا درجہ

نہ بیرانی یابد چون از کمال التحمید گوناگون فارغ شدہ وپس آن درود

بر سید المرسلین ادا کرد وقت اجابت دعا حاضر شد پس مناسب آمد کہ

در این چنین موضع مشغول بدعا شود وبہترین ازینہا این ست

رَبَّنَآ اٰتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَةً وَّفِی الْاٰخِرَةِ

اے پالنے والے ہمارے دے ہمکو دنیا مین بھلائی یعنے رزق واولاد نیک اور دے بیچ آخرت کی

حَسَنَةً وَّقِنَا عَذَابَ النَّارِ ۝ اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَةُ

نیکی کو دیدار وفضل ہے اور بچا ہمکو عذاب دوزخ سے سلامتی ہو اوپر تمہارے اور رحم

اللّٰہ گوید و جانب راست سر بگرداند باز السَّلَامُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَۃُ اللّٰہِ
سلامتی ہو اوپر تمہارے اور رحم اللہ کا
گوید و جانب چپ سر بگرداند اکنون نماز تمام شد چون بعد سلام
نماز فرض وقت اجابت دعاست باید کہ بخشوع و خضوع بدعا مشغول شود
و ہر چہ خواہد طلب دارد تا آنچہ لایق شان آن تعالی شانہ باشد این سلام
بر فرشتگان و امام و مقتدیان است کہ امام بر مقتدیان و فرشتگان
سلام گوید و مقتدیان بر امام و فرشتگان و مقتدیان در سفر ظہر و عصر
و عشا دو دو رکعات باید خواند آنرا نماز قصر گویند۔

سبق دہم در تعداد رکعتہای نماز پنجگانہ از فرائض و سنن و نوافل

در نماز صبح چہار رکعات اند اول دو سنت اند مؤکدہ کہ ضرور خواند چنانکہ اگر در جماعت
صرف امید یافتن یک رکعت دارد تاہم این ترک نماید اما اگر وقت تنگ باشد
این را ترک کردہ صرف فرض ادا کند و سنت بعدش ضرور نیست و دو رکعت فرض اند
اما در فرض او با جہر یعنی فاتحہ و سورہ را بآواز ظاہر خواند اگر تنہا باشد خواہد بجہر کند یا باخفا
در ظہر دوازدہ رکعات اند اول چہار سنت پس چہار فرض با خفا باز دو رکعت

سنت پس دو نفل اگر جماعت ایستاده باشد چہار رکعت سنت اولی را تاخیر
کردہ فرض و جماعت دریابد و بعدش این چہار گانہ را ادا نماید اگر وقت
تنگ باشد فرض اول بخواند بعد این چہار دیگر را اگر وقت خارج
شدہ باشد والا سنت قضا کردہ نمی شود و بیست تحیہ تفصیل است
نماز جمعہ کہ وقتش وقت ظہر است فرض است بر ہر مرد صحیح و مقیم
شروطہا ئیکہ برای ادائیش باشند ششگانہ اندکہ از انہا یک جماعت است
کہ بدون نماز جمعہ ادا نخواہد شد یک خطبہ است کہ آنحضرت صلعم بدو
خطبہ میخواند اگر خطبہ حاضر نباشد این تسبیح و تحمید و تہلیل و تکبیر
سُبْحَانَ اللّٰہِ وَالْحَمْدُ لِلّٰہِ وَلَا اِلٰہَ اِلَّا اللّٰہُ وَاللّٰہُ اَکْبَرُ ۃ
پاک ہے اللہ سب عیبوں سے اور سب تعریف اللہ کو اور کوئی معبود برحق نہیں مگر ایک سچا خدا اور اللہ سب سے بڑا ہے
قایم مقام خطبہ تواند شد و درمیان ہر دو خطبہ وقفہ خفیفہ باید و بغیر دست برداشتن
دعا نماید کہ وقت قبول است چون امام بر منبر آید بانگ بر رویش گفتہ آید و مردان
بصف در نشینند اولا خطبہ خواندہ شود بعدہ نماز جمعہ دو رکعات با جہر رکعات
نماز جمعہ دوازدہ باید خواند اول چہار سنن بعدش دوگانہ جمعہ با جماعت بعد
دو سنن دیگر و درین زمان کہ علما در وجود شروط ادای جمعہ درین دیار اختلاف دارند

چهار رکعات فرض به نیت احتیاط جمعه هم ادا کردن خوبست اما در هر چهار رکعات

فاتحه وسوره خواند اینها دوازده رکعات شدند۔ در عصر چهار رکعات اند

فرض بلا جهر اما اگر پیش آنها چهار یا دو رکعت سنت خوانده شود بهتر است در مغرب

مغرب هفت رکعت اند اول سه گانه فرض با جهر منفرد خواند خواه جهر کند یا اخفا بعد

دو سنت و دو نفل باز اگر چهار رکعات یا شش نفل هر دو رکعت بیک سلام ادا نماید

نیکوتر ست و چهار رکعت بیک سلام هم جائز ست و نام این نفلها صلوة اوابین است

در عشا اگر اولاً چهار نفل خواند بهتر ست بعدش چهار گانه فرض ادا نماید امام با جهر

و تنها هر گونه خواهد بعد ازان دو رکعت سنت بر خواند و وتر خواندن که واجب ست وقتش

در وقت عشا افتاد مع لحاظ ترتیب پس باید که بعدش سه گانه وتر ادا کند و بعدش

دو نفل خواند و بهتر ست که این را نشسته خواند چون بنده این رکعات عشا را با جماعت

ادا کرد گویا که همه شب در عبادت گذاشت اما اگر در عشا چهار نفل پیشین ادا نماید و

اکتفا کند بر چهار فرض و دو سنت و سه گانه وتر بعدش دو نفل هم کافیست

و باید دانست که وتر سه رکعات بیک نیت با خفا وتر است بعد دو رکعت قعده کند

و در رکعت سوم بعد فاتحه و سوره رفع یدین کرده دعای قنوت مخفی خواند و بعدش
رکوع کند و قعدهٔ اخیره کرده سه گانه با تمام رساند رفع یدین این که هر دو دست
تکبیر گویان تا نرمه گوش برداشته بنهد چنانکه در تکبیر تحریمه گذشت در رمضان شریف
وتر با جماعت و هر سه رکعات با جهر خواند و قنوت مخفی و دعای قنوت این ست

اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَسْتَعِيْنُكَ وَنَسْتَغْفِرُكَ وَنُؤْمِنُ بِكَ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ

ای اللہ تجھی سے مدد مانگتے ہین اور تجھی سے بخشش مانگتے ہین اور تجھی پر ایمان لاتے اور ہمارا بھروسا کرنا تجھی پر ہے

وَنُثْنِيْ عَلَيْكَ الْخَيْرَ وَنَشْكُرُكَ وَلَا نَكْفُرُكَ وَنَخْلَعُ وَنَتْرُكُ

اور تیری ہی تعریف کرتے ہین اچھی اور شکر کرتے ہین تیرا اور ہرگز کفر نعمت تیری کا نہین کرتے اور بیزار ہوتے ہین اور چھوڑتے ہین ہم اوسکو

مَنْ يَّفْجُرُكَ اَللّٰهُمَّ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَلَكَ نُصَلِّيْ وَنَسْجُدُ

جو نافرمانی تیری کرے ای اللہ تیری ہی عبادت کرتے ہین ہم اور تیری ہی نماز پڑھتے ہین اور سجدہ کرتے ہین

وَاِلَيْكَ نَسْعٰى وَنَحْفِدُ وَنَرْجُوْ رَحْمَتَكَ وَنَخْشٰى

اور تیری ہی طرف دوڑتے ہین اور جلد کوشش کرتے ہین اور امید رکھتے ہین رحم تیری کی اور ڈرتے ہین

عَذَابَكَ اِنَّ عَذَابَكَ بِالْكُفَّارِ مُلْحِقٌ ۵

عذاب تیری سے بیشک عذاب تیرا کافرون سے ملنے والا ہے

سبق یازدهم در بیان بعض ضروریه

جائز است همه نماز در ریل اگر ایستاده باشد تکلف نیست اما وقتیکه روان
باشد در ادا کردن نماز اگر برای قیام ریل انتظار کند بهتر است اگر خوف باشد
که در انتظار وقت از دست میرود باید که نماز گزارده و احتیاطاً بعد فرود
آمدن از ریل قضایش کند برای نماز فرض قبله متعین کرده نیت کند بعده
اگر ریل برگردد مضائقه ندارد خود هم بگردد و برای نفل به سواری بیرون
از شهر تعین قبله ضرور نیست متنفل مختار است که ایستاده گذارد یا نشسته
از نمازهای واجبه نماز عید الفطر و ضحی و تراویح در رمضان
شریف تا یک ختم قرآن مجید است نماز عید الفطر و الضحی دو دو رکعات
با شش شش تکبیرات اند برای شان نیت کند که نیت میکنم
برای نماز عید الفطر یا عید الضحی
با شش تکبیرات باقتدای این امام بعد تکبیر
تحریمه ثنا خوانده ۳ تکبیر بگوید چنانکه بر هر تکبیر رفع یدین کند

اما درمیان تکبیر ہا بہ بندد این چہار تکبیرات شدند اکنون دستہا بندد

ونماز شروع کند وقبل رکوع ثلاثہ تکبیرات گوید چنانکہ در رکعت

اولی گفتہ شد بعدہ چہارم تکبیر گویان رکوع کند بعدہ نماز بدستور تمام کند

وبعد نماز خطبہ سنت **نماز تراویح** بست رکعات اند بدہ سلام در ماہ

رمضان شریف در وقت عشائتا ختم قرآن مجید سنت موکدہ است کہ حضرت عمر

رضی اللہ عنہ بر تارک آنہا حکم جہاد فرمودہ اند چند وقت اند کہ در ان

نماز وسجدہ منع است وآن وقت طلوع وزوال وغروب

آفتاب است مگر عصر آن روز ودرمیان نماز عصر ومغرب چند وقت اندکہ درانہا

نفل گذاردن بسیار ثواب دارد یکی بعد نیمہ شب یا بعد دو ثلث شب تا صبح

صادق تہجد است کہ آنحضرت صلعم گاہی ترک نفرمودہ این از دو از دہ

رکعات تا چہار رکعات است وبعد یک نیزہ بر خیزیدن آفتاب

چہار گانہ نفل است چنانچہ نماز فجر خواندہ در ذکر ماندہ وتا این چہار گانہ

ادا نکردہ باشد در شغل دنیا میل نہ نماید تا ثواب یک حج

وعمرہ یابد این را اشراق گویند و بعد یکپاس روز چہارگانہ دیگر ہست

آنچاشت نامند توفیق رفیق یاد کہ این ہمہ ادا کردہ آیند بہ جہر رواست در

ہمہ نوافل در شب و در روز نماز و شب تا ہشت رکعات بہ چہار قعدہ بیک

نیت رواست اما در روز از چہارگانہ نفل بدو قعدہ و یک نیت جائز نیست مقتدی

در ہر نماز خاموش ایستادہ قرآن امام شنود و قرآن نخواند اما اگر فاتحہ خواند

خوب است کہ آنحضرت فرمودہ اند لا صلوٰۃ الا بفاتحۃ

الکتاب و اقتدای امام کند و در ہیچ رکنے پیشی نگیرد

در نوافل شب بغیر تداعی و در قضا ہم امامت رواست

سبق دوازدہم در شرکت جماعت

یعنی وقتیکہ جماعت قایم است یا شخصے فرض ادا میکند و کسی با اینہا شرکت

میخواہد او را باید کہ تکبیر گوید و شریکش شدہ اقتدای امام کند اگر امام پیش

جماعت ایستادہ باشد این یعنی مقتدی یا مسبوق در صف بایستد و سبحانک

اللہم نخواند وقتیکہ امام نماز تمام کند و سلام دہد مسبوق مقتدی

را باید که بعد سلام امام برخاسته باقی نماز را باتمام رساند بدین طور که اگر
از رکعات اولین ترک شده باشد آنها را با فاتحه و سوره خواند و اگر از
شفعهٔ آخری چیزی مانده باسوره تمام نماید اگر شخصی تنها در نماز باشد مسبوق را
باید که وقت شریک شدن تکبیر با جهر گوید تا مصلی آگاه شود و نیت اقامت
کرده مسبوق را مقتدی خود گرداند و بر دست راست چیزی پس ایستاده شود
اگر این شخص تنها که امام گرفته شده است بوقت رکن او شخص سابق
تکبیر جهری گوید معلوم شد که فرض ادا نماید پس باقتدایش پردازد و اگر
تکبیر خفی گفت معلوم شد که فرض نیست اقتدایش کسلد. واگر امام در رکوع است
یا در سجده وغیره باید که مسبوق نیت کرده هر دو دست تحته بربسته در همان رکن
شریک شود که امام در روست و هرگز انتظار قیام امام نکشد وقتیکه مسبوق نماز
بقیهٔ خود را ادا کردن شروع نماید در اولش ثنا خواند اگر یک مقتدی باشد دیگری
نیز شریک شود باید که پس امام بعد نیت اول را کشد و هر دو برابر
پس امام ایستند و یا مقتدی نو برابر مقتدی سابق ایستد

و امام البتہ جای خود پیش قدمی کند و ہمین بہتر است

سبق سیزدھو در سجدہ سہو

آن دو سجدہ کردن است با تشہد و درود و دعا یعنے بعد تشہد یک سلام
کردہ دو سجدہ کند و بعدہ تشہد و درود و دعا خواندہ نماز تمام کند
در نمازے کہ سجدہ سہو لازم شود اگر ادا نکند اصل فرض از ذمہ ساقط شود
لیکن اعادۂ آن نماز بر ذمہ واجب می ماند و آن در تاخیر رکن فرض و در ترک
واجب و اجب می شود تاخیر فرض آن است کہ مثلاً بعد یک رکعت بقدر
ادائی یک رکن یا زیادہ نشست سجدہ سہو کند یا در قعدۂ اولی بعد
خواندن تشہد برای برخاستن تاخیر کردہ درود تا اَللّٰھُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ
خواند سجدہ سہو کند ترک واجب آنست مثلاً ترتیب ساقط کردن چنانچہ
سورہ قبل فاتحہ خواند یا سجدہ بر رکوع مقدم ساخت یا بفاتحہ
سورہ نیامیخت یا قومہ یا جلسہ یا قعدہ اولی نکرد یا نماز بلفظ السلام
تمام نکرد و اندرین صورتہا سجدہ سہو کند و از ینہا یک خطا باشد

یا زیادہ سجدۂ سہو یکبار کردہ خواہد شد اگر تسبیحات رکوع و سجود و دعائی قومہ و جلسہ

و تشہد و درود کہ مخفی اند بآواز مسموعی برخواند اگر قرات خفی را با جہر

یا جہری را با خفا ادا کرد قلیل یا کثیر سجدۂ سہو کند سجدۂ سہو

لازم نباشد البتہ در جہر تشہد بعض فقہا بلزوم سجدۂ سہو قائل اند

سبق چہاردہم در مفسدات و مکروہات نماز

مفسدات اگر ترک کردہ فرضے یا زائد کردہ عملی کہ منافی نماز باشد نماز فاسد شد مثلاً

قیام یا رکوع یا سجدہ یا قعدہ آخری نکردیا خندید نماز فاسد شد یا در سجدہ

انگشتہای ہر دو پا از زمین برداشت یا مجنون شد در نماز یا بعد حدث کرد

نماز فاسد شد یا سر و سینہ از قبلہ بگردید یا تنحنح یعنے آواز از حلق برائے

صاف کردن صوت کہ از حروف اُح اُح بلا عذر و بلا غرض صحیح کرد

یا حرکت کثیر کرد نماز فاسد شد حرکات کثیر حرکات پے در پے اند یا

حرکتے کہ نمازی آنرا کثیر گمان کند یا در نظر بیندہ معلوم شود کہ حرکت کنندہ

در نماز نیست و این صحیح ترین اقوال است مکروہات در نماز بر یک پا ایستادن

و پارچه پوشیدن حقیر و ذلیل با وجود بودن پارچه خوب و عزیز و نگاه ردا بر دوش

داشتن گوشهای پیش رها کردن و نماز را در شدت حاجات ضروریه یا در شدت اشتهای

سخت طعام و آب با وجود حضوری آن ادا کردن چشم پوشیده یا برهنه

سر نماز گذاردن اگر تواضعاً نباشد و خاک و خاشاک از جای

سجده صاف کردن مکروه است اگر یکبار بجهت ضرورت باشد مکروه نیست

سبق پانزدهم در دعاها و عملها

باید که بعد نماز بدعا مشغول شود هرچه که لائق خواستن از آن بارگاه باشد

برجوع قلب استدعا نماید که دعای مومن قبول است در دنیا اگر ظهور نیابد

در آخرت ضرور اجر عظیم بدست آید و خاص اوقات قبول این است بعد نماز فرض

و در ثلث آخر شب و در میان نشستن امام [illegible] تا ختم [illegible]

و در میان ماه رمضان مبارک خصوصاً وقت افطار و وقت غروب روز جمعه و در مرض و

در سفر و غائبانه برای غائب و ظهور [illegible] وقت [illegible] است

مشروط ادعیه که در قرآن مجید و فرقان حمید

آمدہ اند بہتر اند خوب و مرغوب بندہ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَّسِينَا أَوْ

اے رب ہمارے نہ پکڑ ہمکو اگر بہولیں ہم یا چوکیں

أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ

اے رب ہمارے مت ڈال اوپر ہمارے بوجھ جیسا کہ رکھا تو نے اوسکو اوپر اونکی

مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ

جو ہمسے پہلے تھے اے پالنے والے ہمارے اور مت رکھوا ہمپر وہ چیز کہ جسکی ہم مین طاقت نہین اور معاف کر

عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ

ہمسے اور بخشش کر واسطے ہمارے اور رحم کر ہمپر تو کارساز ہمارا ہے پس تو مدد کر ہماری قوم

الْكَافِرِينَ ۝ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا

کافرونپر اے رب ہمارے مت ٹیڑے کر ہمارے دلونکو بعد اسکے کہ ہدایت دی تو نے

وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ۝

اور دی تو نے ہمکو اپنی پاس سے رحمت بیشک تو بڑا ہی دینے والا ہے

رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا

اے رب ہمارے ظلم کیا ہمنے اپنی جانون پر اگر نہ بخشیگا تو ہمارے گناہ

وَتَرْحَمْنَا لَنَكُوْنَنَّ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ ۝ رَبَّنَآ اِنَّنَا

اور نہ رحم کریگا ہمپر بیشک ہم ہوجاوینگے تباہ دنیا و دین مین ای پالنے والی ہمارے تحقیق ہمنے

سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُّنَادِيْ لِلْاِيْمَانِ اَنْ اٰمِنُوْا بِرَبِّكُمْ فَاٰمَنَّا

سنا پکارنیوالے کو کہ ایمان کیطرف پکارتا ہے کہ ایمان لاؤ اپنی رب پر پس ایمان لائے ہم

رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوْبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّاٰتِنَا وَتَوَفَّنَا

ای رب ہمارے پس بخش ہمارے گناہ اور دور کر ہمسے برائیان ہماری اور مار ہمکو

مَعَ الْاَبْرَارِ ۝ رَبَّنَا وَاٰتِنَا مَا وَعَدْتَّنَا عَلٰى رُسُلِكَ

ساتھ نیکون کے ای رب ہمارے دی تو ہمکو وہ چیز جسکا تونے وعدہ کیا ہمسے اپنی رسولون کی معرفت

وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيْعَادَ

اور مت رسوا کر ہمکو دن قیامت کے تحقیق تو بدلتا نہیں ہے وعدہ

رَبَّنَآ اٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَّفِي الْاٰخِرَةِ

ای پالنے والے ہمارے دی ہمکو دنیا مین نیکی اور آخرت مین

حَسَنَةً وَّقِنَا عَذَابَ النَّارِ ۝ رَبَّنَا تَقَبَّلْ

نیکی اور بچا ہمکو عذاب دوزخ سے ای رب ہمارے قبول کر

مِنَّا اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ۝ واین غیر از قران دعا ہائے

ہمسے ہماری کام تحقیق تو سننی والا جاننی والا ہے

ماثورہ ست اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى

ای اللہ درود بھیج اوپر سردار ہمارے محمد صلعم کے اور اوپر

اٰلِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ صَلٰوةً تُنْجِيْنَا بِهَا مِنْ جَمِيْعِ

اولاد سردار ہمارے محمد صلعم کے وہ درود کہ نجات دی تو ہمکو اوسکی برکت سے تمام دہشتون

الْاَهْوَالِ وَالْاٰفَاتِ وَتَقْضِيْ لَنَا بِهَا جَمِيْعَ

دنیا اور آخرت کے اور دارین کی آفتون اور پوری کر ہماری اوسکی واسطے تمام

الْحَاجَاتِ وَتُطَهِّرُنَا بِهَا مِنْ جَمِيْعِ السَّيِّئَاتِ

دونون جہان کی حاجتین اور پاک کر دے ہمکو اوسکی برکت کے سبب برائیون سے

وَتَرْفَعُنَا بِهَا عِنْدَكَ اَعْلَى الدَّرَجَاتِ وَ

اور بلند کر ہمکو اوسکے سبب اپنی نزدیک بلند ترین درجات مین اور

تُبَلِّغُنَا بِهَا اَقْصَى الْغَايَاتِ مِنْ جَمِيْعِ الْخَيْرَاتِ

پہونچا ہمکو اوسکی برکت کے سبب نہایت مطلوبونپر تمام بھلائیون سے

فِي الْحَيَاةِ وَبَعْدَ الْمَمَاتِ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ

بیچ زندگی کے اور پیچھے مرنے کے آخرت مین تحقیق تو اوپر ہر چیز کے

قَدِيْرٌ ۵ ودیگر خوب است اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ وَلِوَالِدَيَّ

قدرت رکھنے والا ہے ای اللہ بخش دی مجکو اور میرے باپ دادا کو

وَالْوَالِدَاتِ وَالْمُسْلِمِيْنَ وَالْمُسْلِمَاتِ

اور میری مان دادیون اور نانیونکو اور تمام مسلمانون اور مسلمانیون کو

اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيْعُ الْمُجِيْبُ الدَّعْوَاتِ ۵ وظائف

البتہ تو سننے والا قبول کرنیوالا دعاؤنکا ہے

باید کہ بخواند این را بعد ہر نماز فرض و این را اٰیۃ الکرسی میگویند کہ برای حفاظت

جان و مال مجرب است و خواندنش بعد ہر فرض در حدیث شریف وارد شدہ

اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ ۵ لَا تَاْخُذُهٗ سِنَةٌ

اللہ ہے کہ نہین کوئی معبود سچا سوا اوسکے زندہ تہامنے والا نہین لگتی اوسکو اونگہہ

وَّلَا نَوْمٌ لَهٗ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ

اور نہ نیند اوسی کی ہے ہر چیز جو آسمانون اور زمین مین ہے

مَنْ ذَا الَّذِيْ يَشْفَعُ عِنْدَهٗٓ اِلَّا بِاِذْنِهٖ ؕ يَعْلَمُ

کون ہے ایسا جو شفاعت کرے اوسکے حضور مین مگر اوسیکے حکم سے وہ جانتا ہے

مَا بَيْنَ اَيْدِيْهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ ۚ وَلَا يُحِيْطُوْنَ

وہ شی جو آگے اون کے ہے اور جو پیچہے اون کے ہے اور نہین گہیر سکتے لوگ

بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهٖٓ اِلَّا بِمَا شَآءَ ۚ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمٰوٰتِ

کچھہ اوسکے علم سے مگر جسقدر وہی چاہا گہیر لیا ہے کرسی یعنی بادشاہی اوسکے نے آسمانون

وَالْاَرْضَ ۚ وَلَا يَـُٔوْدُهٗ حِفْظُهُمَا ۚ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيْمُ ۝

اور زمین کو اور نہین تہکاتی اوسکو نگہبانی اونکی اور وہ ہے بلند مرتبہ بڑا

تمام شد دیگر این ہست کہ از ثواب او زمین و آسمان پر شوند سُبْحَانَ اللّٰهِ

پاک ہے اللہ شریک سے

سی و سہ بار اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ سی و سہ بار اَللّٰهُ اَكْبَرُ سی و چہار بار بعد

سب تعریف اللہ کو ہے اللہ سب سے بڑا ہے

ہر نماز فریضہ و ہم وقت خواب شب بخواند بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِيْ لَا

شروع کرتا ہون مین اللہ کے نام کے ساتھہ ایسا ہے وہ

يَضُرُّ مَعَ اسْمِهٖ شَيْءٌ فِي الْاَرْضِ وَلَا فِي السَّمَآءِ

کہ نہین نقصان پہونچا سکتے اوسکے نام کے ساتھہ کوئی چیز بیچ زمین کے ہو یا بیچ آسمانون کے

ف

از روایت عثمان رض جو کوئی اسکو تین بار بعد نماز مغرب و فجر کے پڑہیگا اوسکو کوئی چیز اوس دن نقصان نہ پہونچائیگی ۱۲

وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝ ۳۳ بار بعد نماز مغرب و فجر کہ درہمہ

اور وہ سننے والا دعا کا اور جاننے والا ہر ایک کا ہے۔

شب و از صبح تا شام از ہمہ آفات محفوظ ماند و نیز بخواند بعد نماز صبح و مغرب ۳ بار

۹۱

اَعُوْذُ بِاللّٰهِ السَّمِيْعِ الْعَلِيْمِ مِنَ الشَّيْطٰنِ الرَّجِيْمِ ۝

پناہ مانگتا ہوں ساتھ برکت نام اللہ کے سننے والا جاننے والا ہے برائی شیطان مردود سے

و یک بار هُوَ اللّٰهُ الَّذِيْ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ

وہی ہے اللہ وہ اللہ نہیں کوئی معبود مگر وہ جاننے والا پوشیدہ کا

وَالشَّهَادَةِ تا ختم سورہ حشر کہ ثوابش در حدیث شریف بسیار آمدہ

اور ظاہر کا

۹۲

و نیز در حدیث شریف صبح و شام خواندن اَعُوْذُ بِكَلِمَاتِ

پناہ مانگتا ہوں میں ساتھ کلمات

اللّٰهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وارد شدہ و بخواندن صبح و شام

اللہ کے کہ پورے ہیں برائی چیز پیدا کی ہوئی سے

یک یک بار سورہ کافرون قُلْ يٰٓاَيُّهَا الْكٰفِرُوْنَ لَآ اَعْبُدُ

کہہ ای محمد صلعم ای کافرو میں نہیں پوجتا اوس چیز کو

۹۱ ... [illegible] ... اللہ تعالیٰ ... شیطان ... شہید ہوگا

۹۲ از روایت ابو ہریرہ جو کوئی اسکو پڑھیگا شام کو ... اوسکو ڈنک نہ لگیگا ۱۲۱۲

مَا تَعْبُدُوْنَ وَلَآ اَنْتُمْ عَابِدُوْنَ مَآ اَعْبُدُ ۝

کہ جسکو تم پوجتی ہو　اور نہ تم پوجنی والے ہو جسکو　مین عبادت کرتا ہون

وَلَآ اَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُّمْ وَلَآ اَنْتُمْ عَابِدُوْنَ

اور نہ مین عبادت کرنیوالا ہون اوسکو جسکو تم پوجتی ہو　اور نہ تم عبادت کرنیوالے ہو

مَآ اَعْبُدُ لَكُمْ دِيْنُكُمْ وَلِيَ دِيْنِ ۝

جسکی مین عبادت کرتا ہون　تمہارے لیے دین تمہارا ہے اور میرے واسطے دین میرا ہے

اگر این سورہ چہار بار خواند ثواب سالم یک قرآن یابد و بخواند بعد مغرب

و فجر سورہ اخلاص ۳ بار کہ ثواب یک قرآن شریف است یعنی قل ہو اللہ احد

تا آخر بخواند معوذتین ۳ بار یعنی سورہ فلق و سورہ الناس

قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَمِنْ شَرِّ

کہہ ای محمد صلعم پناہ پکڑتا ہون ساتھ پیدا کرنیوالے صبح کے اوس چیز سے جسکو اوسنی پیدا کی　اور برائی ڈہانک لینی والی

غَاسِقٍ اِذَا وَقَبَ ۝ وَمِنْ شَرِّ النَّفّٰثٰتِ فِي الْعُقَدِ

رات سے　جسوقت ڈہانکے　اور برائی پہونکنی والیون سے بیچ گرہون کے

وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ اِذَا حَسَدَ ۵ قُلْ اَعُوْذُ

اور برائی حاسد کی سے جسوقت کہ حسد کرے کہہ ای محمد صلعم پناہ مانگتا ہون مین

بِرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ اِلٰهِ النَّاسِ مِنْ

ساتھ پالنیوالے لوگون کے بادشاہ لوگون کے معبود لوگون کے

شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ۵ الَّذِيْ يُوَسْوِسُ

برائی وسوسہ ڈالنے والے پیچھے ہٹ جانیوالے کے سے وہ جو وسوسہ ڈالتا ہے

فِيْ صُدُوْرِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ۵

بیچ سینون لوگون کے جنون مین سے یا آدمیون مین سے

از آیۃ الکرسی تا اینجا ہشت عدد وظیفہ ہست بعد نماز مغرب و صبح بمقدار ندکورہ

ہر روز بلا ناغہ بخواند تا از ہمہ بلیات و آفات دنیوی و اخروی او تعالے

مامون دارد انشاء اللہ تعالے

نصائح حمیدہ و اخلاق پسندیدہ سلمہ خدا

اسعدک اللہ تعالی فی الدارین شکر بجای بکا نمیا

ومادر را رحمتی بزرگ از منعم حقیقی شمار که او را باعث حیات تو گردانید
و در نکوئی بمادر ترا ثواب حج و عمره و جهاد بخشیده ٥ جنت که رضائی
مادران است ✣ در زیر قدوم مادران است - حکم پدر بجا آر و بیدار
باش که گاہے جور بلفظ اُف هم بایشان از تو نرسد - و بدان که رضای
مالک حقیقی برضای ایشان ست - نماز پنجگانه را بپا دار و به هیچ حالت
مگذار ٥ روز محشر که جانگداز بود ✣ اولین پرسش نماز بود + روزه های
رمضان ادا کن و زکاة مال بده و اینجا خوب گفته شعر زکوة مال ادا کن که
فضله زر را ✣ چو باغبان ببرد بیشتر دهد انگور + و حج را بوجود ی شرط
از دست مده و هر حکم او تعالی شانه را در دل خود بنه - وقتیکه توانی بوالدین
خود احسان کن - وقتیکه ایشان ناتوان شوند بازوی شفقت زیر پای ایشان
بگستر و اقارب خود را یگانه بدار چون عقارب مشمار - حق همسایه و مسکین و مسافر
و ماتحت خود به نکوئی بده - و مال خود را به بیهودگی از دست مده که این اسراف
است و تبذیر - و مبذرین براذران شیطان حقیر هر که این خصلت بد را

کند انجامش بندامت کشد و قدر و منزلت او از دست رود اما اگر بنام
خدای تعالی همه خانه و اثاث البیت بدهی رواست اگر وثوق داری که هرچه بدهی تو
بگذرد همراه صابر باشی و حاجت خود را نزد کسی نبری و کسی را بر حاجت خود مطلع نکنی
والا توسط اولی است ای فرزند هوش دار که شیطان دشمن پایدار است هرچه
که اراده بد در دل خود یابی از و پرهیز که آن از شیطان است تا توانی بگریز
بخل در انفاق خود مکن که این برادر اسراف است و بدترین صفات اشراف
در هر کار میانه رو باش تا که در دایره خوش باشی و بشاش - ای فرزند بکشتن جان خود را
اراده مکن که این کار بسیار زبون و سخت است و نزد بدکاری و زنا مرو که بیحیائی و شرمساری است
و اراده مال کسی ناحق گرفتن بدل میار چه این فعلیست که حق تعالی از و بیزار است
و طمع بیکار ع طمع را سه حرف است هر سه تهی ۰۰ آنچه که بگوئی بجا آر
ورنه عهد شکنی است و این هر جا بی اعتبار - از غیبت و نمامی اجتناب بگیر
و از کسی گوش مدار و بد دروغ و تهمت هشدار - بدی کسی پیش تو آرد راست شمار
تا وقتیکه بپای ثبوت نه آید و هر که دیگران را بد گوید او را بد ان ۵ هر که

عیب دگران پیش تو آورد شمرد ٭ بیگمان عیب تو پیش دگران خواهد برد

زینهار تکبر میار یعنی خود را نیکو و کلان و بزرگ مشمار و دیگران را از خود

ذلیل و خوار که معلم الملکوت ازین راه از بالا افتاده و کلاه عزت بهوای مذلت

در داده - هرکه چون کبر و ریا برزید در عالم کبریا نپرید ٭ تکبر مکن زینهار ای

پسر ٭ که روز رستش دریابی بسر - ای فرزند خودبینی و خودنمائی مکن که این

خلاف واقع مثل شان اهلیست و هرکه ازین دور است از خوبی دولت معمور است

به تبختر مخرام که این چه راست اگر به تکبر تبختر میکنی نتوانی که زمین را از پا بکنی و سر از

آسمان ببری - ای فرزند شکر حق تعالی ادا کن که ترا نعمت فزاید و بجا آن کار نباید

گو این کار بیست و دشوار که حق حق تعالی بیشمار است که توانی که از عهده اش بر آئی

٭ از دست و زبانی که بر آید ٭ کز عهده شکرش بدر آید ٭ شکر این است

که بهر نعمت از زبان اقرارش نمائی و دل را از آن بشاشش داری و اعضا را

هر وقت بکارش باز نداری و دست و پای بکارش فرسائی هرچه که از و رسد بآن

خوش باشی اگر ناگوار داری و از و راضی نشوی ضرور است که از ملک او تعالی

بیرون روی از زمینش بدر شو و از سایه آسمان بیرون رو که کفران نعمت
همین است هشدار این مکن و از وی پرهیز گر در دلت گزان انعامات الٰهی در آید
نور ایمان و نعمت خداوند سبحان فزاید ای فرزند تا توانی بزرگان را ادب پیش آر
و خوردان را به شفقت خوش دار شعر ادب تاجیست از لطف الٰهی بنه بر سر
برو هر جا که خواهی- این را به نفس خود خیال که آنچه بر خود نپسندی بر دیگران
پسند نشو به همه خلق خوش خلق و خنده رو باش تلخی و ترش روئی بگذار چون بر تو
پاشیده اند تو بر خلق پاش شیوه مردی و مروت را شعار خود ساز به هیچ نکوئی خود منا
دوست و دشمن را به نیک روش خود شاد کن و خندان و دوستان و دشمنان را
از کار خود مرنجان تا او شان دوستی افزایند و ایشان از دشمنی باز آیند
شعر آسائش دو گیتی تفسیر این دو حرف است با دوستان تلطف با دشمنان مدارا
ای فرزند در همه حال قایم مزاج باشی تلون را از خود رها سازی هر قدر سختی که پیش آید
شود به دل مشو به سهولت و دانائی گوارا کرده به دفع آن بکوش تا وقتی آید که
از سر تو برود شکایت ناگواری پیش کس مساز که هم کفران هست و هم

سبب غضب الهی و باعث خوشنودی دشمنان - جائیکه پند بشنوی یا به
بینی آنرا بپسند - آنچه امر حق خوانده و یا بخوانی خود را بعملش بند مثل آن
حمار نباشی که انبار حکمت بردارد اما هیچ نفعی از و حاصل نسازد - دروغگو
و جنگجو قسم مباش که بی اعتبار خواهی شد و مردی که بی اعتبار است در چشم
مردمان خوار است قناعت پیشه کن که بهترین صفت مردمی است و موجب
راحت دنیا و باعث مسرت در عقبی - جای خود نگهدار و جاهی را از دست
مگذار - از عجز و انکسار خود را بر زمین تواضع و فروتنی بنه و نخوت کبر را
بخود راه مده و در همه جا خود را کمترین خلایق شمر - اما با متکبران
عجز و فروتنی میار و در چشم ایشان خود را حقیر مدار - از حسد چون
درنده بگریز که آتشی است جانسوز - این کیمیاست دوستان را
بیاموز - آنچه که گوئی بتامل گوئی که اگر خوب است اختیار داری و اگر نیک
نباشد چون تیر از دست رفته باز نیاید و حسرت بدست آید - از صحبت
بدان بگریز چون گوسفندان از گرگ [illegible]ان که دین و ایمان را

بی نور سازد و فهم و فراست از تو برباید ۵ صحبت صالح ترا
صالح کند ÷ صحبت طالح ترا طالح کند - راز خود را جز دوست
خالص گفتن خود را در ورطهٔ ندامت انداختن است اگر گوئی حسرت
بری و بازائی ثمر ندامت بری دوست را از دشمنان برآوردن
کار دشوار است که دوست کمیاب است و دشمن دوست نما
بسیار کار شایسته بی مشورهٔ دوست مکن ۵ در چنین
کار مشورت باید ÷ کار بی مشورت نکو ناید - ای فرزند از انچه
که داری تا توانی حاجت خلق برآر تا ضرورتهای تو برآید
خدا یار تو باشد - تو یار خلق باش چشم از عیب پوشیدن
و سیرت عفو گرفتن فرزانگی است و در حالت غضب
غیظ را فرو خوردن مردانگی است صلی الله تعالی علی خیر خلقه
محمد و آله و اصحابه اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین کم کم کم کم

تمت

مراسم خاتمۃ الطبع

۱۲۹۹ھ

ہزاران ہزار شکر ایزد رحمٰن و نعت بجا وہ نبی ہمارے نیکو نہاد — و منقبت آل اطہار
و مصاحب اصحاب کبار — کے بعد محمد حسین مہتمم پر چھاپہ سکندری — پسند طبع ریاست اہم
خدمت پاک دیدہ افہام میں — گزارش پرداز انشراح ہے — کہ ان دنون کتاب دار العبادت
مسمی بہ تعلیم صبیان نام بیگم اقبال — واسطے فائدہ عام انوار عواطف ہونہار
اطفال اسلام بھوپال کے ہے — کہ اسکو پڑھکر مسائل دین سے جو رکن اول جلوہ گاہ ایمان
آگاہ حقایق ہو کر علم معاش کیطرف — متوجہ ہون بنا بر انطباع کامل اس مطبع میں آئی
اور بتوجہ حکم کشاف حقایق — قدردان جہان یکتائی بے ہمتا — فیض رسان اہل عطا —
جلیل افتخار — گل گلستان خاندان — نہال فا نواب یمین محمد خان بہادر
رئیس مقبرکہ دار الاقبال نبیرہ عظیمہ آل — دام اقبالہ و شوکتہ الی یوم داور ہویا
مطبع مفید بہ سکندری رام پور میں — ماہ فیروزمند ربیع الثانی — زیور اختتام انطباع سے پیراستہ ہوئی
بازدان الہا مولف نامدار کی سعی کا سپاس فرمایا — اور کتاب مقبول طبائع اطہر کر —
بحرمت النبی و آلہ الامجاد و اصحاب مناہج سداد — تمام شد التماس